

محمد باقرزاده | جوانی ۳۸ساله در قامت شهردار یکی از سیاسی‌ترین شهرهای ایران؛ «محمدرضا کلایی» در همان روزهای ابتدایی پس از انتخابات ششورا و پیروزی قاطع فهرست امید در کلانشهرهای ایران، به‌عنوان گزینه شهرداری مشهد مطرح شد و تا چندقدمی آن هم پیش رفت، اما با یک استعفا، میدان را به فردی باتجربه سپرد. کلایی در دوران شهرداری نجفی بر پایتخت ایران، قائم‌مقام معاونت برنامه‌ریزی شد و پس از آن هم معاون مالی و پشتیبانی شهرداری مشهد را تجربه کرد تا با تصویب قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان بار دیگر به‌عنوان نامزد جدی مدیریت شهری پایتخت مذهبی ایران مطرح شود و این بار به کرسی شهرداری هم برسد. برخی کارهای کلایی در ۲۰۰ روز سپری‌شده از دوران شهرداری‌اش بارها مورد ستایش چهره‌های شاخص سیاسی از گروه‌های مختلف قرار گرفت و از او تصویر جوانی کاربلد و توانمند ایجاد کرد تا نوبت به نشست خبری هفته پیش و آن حاشیه معروف برسد. سنگ محک و آزمونی دشوار که در نهایت شهردار مشهد را اوادار کرد در کمتر از ۲۴ ساعت بامعاون مورداعتماد خود خداحافظی کند. در همین روزهای پرحاشیه و در بین جلسات پیش‌بینی‌نشده شهردار مشهد، بالاخره زمانی برای گفت‌وگوی «شهروند» با کلایی تعیین شد و او پس از دیدار با مقامی پاکستانی در نمایشگاه بین‌المللی مشهد، به پرسش‌ها پاسخ داد. بخش دوم این گفت‌وگو اما در خودرو شهردار و در زمان حرکت او از نمایشگاه به جلسه‌ای دیگر انجام شد؛ جایی که شهردار در کنار توضیح به راننده‌اش برای مسیریابی و زیر نظرگرفتن شهر از شیشه پایین آمده پژو ۴۰۵ خاکستری، پرسش‌ها را هم پاسخ‌می‌گفت.

●●●

این که فرد جوانی مانند شما به شهرداری شهر حساسی مانند مشهد می‌رسد، ممکن است این باور را ایجاد کند که شما قدرت شهردارهای پیش از خود را ندارید و شاید ششورا قدرت کامل یک شهردار را به شما نداده باشد؛ مثلاً درباره همین موضوع معاون فرهنگی (سرماجرای چندروز پیش و توهینش به خبرنگاران و در نهایت استعفای او) بعضی تحلیل کردند که این معاون تحمیلی بود و شما از این فرصت برای حذف‌واستفاده کردید.

اصلا این طور نیست، اصلا رابطه ما بسیار دوستانه بود و من واقعا آقای زارعی (معاون فرهنگی) را می‌پسندیدم و خیلی به‌واعتقادداشتم.

● یعنی شما دقیقا به واسطه همان بر خورد نشست خبری‌ او را کنار گذاشتید؟

کاملا؛ اصلا هم به دلم نبود که این کار را انجام دهم. ببینید مایاید برای آن چیزی که فکر می‌کنیم درست‌است هزینه دهیم و گر نه من دنبال راهی بودم که بشود این لکه ننگ را به گونه‌ای دیگر پاک کرد. ما همین امروز باهم ناهار خوردیم و خیلی دوستیم؛ خیلی گزینه خوبی بود و خیلی حیف شد.

● ولی ماجرای آن روز این شائبه را ایجاد کرد که لابد رابطه شما و ادبیات خصوصی‌تان به همین شکل بوده‌است.

نه اصلا تعجب کردم و برایم واقعا عجیب بود. اصولا در شهرداری اگر شهردار با معاون خودش چنین ادبیاتی داشته باشد، هیچ کاری نمی‌تواند انجام دهد. یک مثال بگویم؛ آقای نجفی در شهرداری تهران تازه سر کار آمده بود و مدیرانی را منصوب کرده بود که من هم یکی از این افراد بودم. آقای نجفی با این ده-هوازه مدیر جدید جلسه گذاشت. (من قبل از این تجربه حضور در شهرداری مشهد را در دوران آقای مهندس پژمان داشتم که به‌نظرم شهردار موفق‌ی بود.) آقای نجفی صحبت کرد و گفت که جنتمن باشید و چه کسی گفته که شهرداری چی باید کف خیابان باشد و گفت کاری کنید و فضا را تغییر دهید. همه حرف زدند و نوبت به من که رسید گفتم آقای د کتر نجفی، چند نکته اول این که شهرداری چی باید کف خیابانی باشد و ثانیاً من خودم کف‌خیابانی هستم که به معاونت برنامه‌ریزی آدمم. ثالثاً که شما اگر به چنین چیزی اعتقاد نداشته باشی با سسر زمین خواهی خورد؛ باید پشت بیسیم وقتی نعره می‌زنی تمام آن مجموعه سو.خب آن بلاسر آقای نجفی افتاد. اصلا مدیری نمی‌تواند با معاونش در شهرداری یک کلانشهر (چنین رابطه‌وادبیاتی) داشته باشد؛داشته باشد داغون داغون است. کسی که چنین رفتاری داشته باشد شهرداری را نمی‌شناسد. آقای مکارم آمد و حقوق این خدمات شهری‌ها را کم کرد و می‌گفت صرفه جویی، گفتم آقا مگر چقدر می‌شود و این کار را نکنید. خلاصه یک برف آمد و همین افراد رفتند پارو کنند و دیدید چه اتفاقی در شهرداری افتاد و سرور تهران قفل بود، نه، کسی نمی‌تواند چنین ادبیاتی با یک شهردار داشته باشد. دیروز اولین بار اتفاق افتاد.

در هر یک از اتاق‌های منزل یا محل کار مکانهای امن را تعیین کنید. این مکان می‌تواند زیر یک میز محکم، یا کنار دیوار داخلی به دور از پنجره باشد.

نیمی از کودکان کار خارجی جمع آوری‌شده شناسنامه ندارد ند



● پس شما اعتقاد دارید که اختیار و قدرت شهردار را دارد و این طور نیست که مدیری به شما تحمیل شود؟

این که شورا را محل گفت‌وگو قرار می‌دهیم برای این که کار درست‌تر و بهتر پیش برود یک مسأله دیگر است. من با کمیسیون برنامه راجع به معاون مالی صحبت می‌کنم و حتی راجع به مدیران کلیدی و این کاملاً طبیعی است.

● این مشورت طبیعی است اما درباره شهرداری مشهد این بحث مطرح شده که برخی معاونت‌ها سهمیه‌گروه‌های خاصی است؟

اصلا. اصلا. مطمئن باشید به هیچ‌وجه چنین چیزی نیست

● مدیری دانشگاهی، تکنوکرات و نزدیک به حزب کارگزاران، اما به نظر می‌آید برخی رفتارهای شما جنبه پوپولیستی دارد؛ این که بعد از جلسه معارفه بیرون می‌آیید و بدون هماهنگی با تیم تشریفات سوار تاکسی می‌شوید، یا تصاویر شما با لباس خاکی یا همین تماس بدون هماهنگی با معاون فرهنگی شما پوپولیستید؟

من واقعیتش نمی‌دانم که در وضع آشفته میانی نظری سیاسی در ایران چطور می‌توانیم این موارد را از همدیگر تفکیک کنیم، اما آن چیزی که مد نظرم است این است که حتی الامکان از ظرفیت‌هایی که لابه‌لای بروکراسی موجود در ایران هست، استفاده کنیم که مقداری موتور محرکه رشد و توسعه را پیش ببریم. حالا این که اسم این را چه می‌توانیم بگذاریم نمی‌دانم ولی معتقدم که سرجمع

بسیاری از مسائلی که گریبان مردم را گرفته‌است به‌نسبه راه‌حل‌های ساده دارد و از طریق گفت‌وگوهای ساده و مستمر حل می‌شود و شاید حل ساده مسأله‌ها اگر انسان راه به یاد پوپولیسم بیندازد این در واقع موجب اعوجاج شده است.

● بالاخره این رفتارها تنه به تنه پوپولیسم می‌زند که معمولاً مدبرانی با مشخصات شمادر نقدد یگران از آنها استفاده می‌کنند.

من واقعیتش نمی‌خواهم وارد تعریف فنی پوپولیسم و امثالهم شوم، اما سعی می‌کنم زندگی راحت خودم را در چارچوب روزمرگی در کار داشته باشم. واقعیت این است که اولین ویژگی که یک مدیر نیاز دارد برای این که بتواند کارآمدی لازم را در شرایط کنونی داشته باشد، این است

اصلا به دلم نبود که معاون فرهنگی از شهرداری برود ولی ما باید برای آن چیزی که فکر می‌کنیم درست‌است، هزینه بدهیم، و گر نه من دنبال راهی بودم که بشود این لکه ننگ را به گونه‌ای دیگر پاک کرد

که خودش باشد و زندگی ساده و شفاف خود را داشته باشد. اگر بخواهیم درگیر تشریفات مرسوم موجود شویم، این قدر دست‌وپایمان بسته می‌شود که از کارآمدی فاصله خواهیم گرفت.

ایسنا | ۵۳ درصد از کودکان اتباع بیگانه‌ای که جمع آوری شده‌اند، فاقد اوراق هویتی هستند. معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور با اعلام این مطلب از دور جدید اجرای طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان خبر داد. حبیب‌الله مسعودی فرید با تشریح جزئیات طرح ساماندهی کودکان کار و خیابان گفت: «در تهران طی دو تا سه هفته گذشته حدود ۲۳۰ کودک جمع آوری شدند که از این تعداد ۵۳ درصد از اتباع بیگانه اوراق هویتی نداشتند.» به گفته او، مدت زمان نگهداری این کودکان بین ۷ تا ۱۰ روز است و ظرف این مدت کودکان باید تعیین تکلیف شوند: «مرحله اول طرح مربوط به احراز هویت کودکان است تا در صورتی که این کودکان بعد از خروج از مراکز بار دیگر در خیابان دیده‌نشده، نسبت به وضع گذشته آنها اطلاعات کافی وجود داشته باشد، سپس کودکان در صورتی که جزو اتباع بیگانه باشند، به‌مرکز ویژه خود در صورتی که کودکان ایرانی باشند، به‌مرکز دیگری منتقل می‌شوند.»

اگر چه حکم من را وزارت کشور صادر کرده اما هنوز چارچوب حقوقی من را اعلام نکرده و من بعد از ۷ ماه همچنان علی‌الحساب حقوق می‌گیرم و واقعیت این است که خودم هم هنوز عدد دقیق حقوقم را نمی‌دانم.

● ولی امکان دارد در ماه‌های آینده این موارد هم به‌سامانه شفافیت اضافه‌شود؟

بله و به‌نظرم خیلی هم منطقی است.

● شما جوان‌ترین شهردار در بین شهرداران کلانشهرهای ایرانید. اگر بخواهیم از این مقایسه‌ها هم دست‌بکشیم، به‌نظر می‌آید کار بسیار دشواری است که فردی با سن شما شهردار شهر بسیار حساس و بسیار سیاسی مشهد باشد. حالا که این اتفاق رخ داده به نظر می‌آید انتظار از شما زیاد باشد و مردم منتظر مدیریتی متفاوت و با حضور زنان و جوانان باشند، اما اعداد و ارقام می‌گوید که شما چندان به حضور مدیران زن و جوانان توجه نکردید.

شهردار نباید جنتمن باشد

● رابطه من و آقای زارعی، معاون فرهنگی دوستانه بود. او را واقعا

می‌پسندیدم و خیلی به او اعتقاد داشتم

عکس: بهمن‌مختاری

● شفافیت در این دوره از شورا و در بین مدیران اصلاح‌طلب حوزه شهری، تبدیل به یک بحث مهم شده و در چندین کلانشهر سامانه شفافیت برای اطلاع مردم از قراردادهای شهرداری ایجاد شده است. در مشهد هم سامانه فاش را ایجاد کردید، اما هنوز اثری از میزان حقوق شهردار و معاونان و مدیران ارشد دیده نمی‌شود. علاقه دارید بگویید چقدر حقوق می‌گیرید و آیا ممکن است در این سامانه حقوق مدیران ارشد و موارد دیگر هم شفاف‌سازی‌شود؟

در دو بخش پاسخ می‌دهم. اول فکر می‌کنم این که در این دوره اعضای شورا و شهرداران به دنبال شفافیتند بیشتر به این دلیل است که می‌خواهند تمایزی را نشان دهند که من سعی می‌کنم این تمایزبخشی را در عمل انجام دهم. شاید چون شرایط اقتصادی به آنها امکان مانور ارایه خدمات به مردم را نمی‌دهد، سعی می‌کنند با این رویکردها که رویکردهای اکستریمیستی است و می‌توانست تا حدودی مخاطبان را راضی کند که این مدیران و شوراها نسبت به دیگران تمایز دارند. من این را اصلاً نمی‌پسندم و اگر صحبت از شفافیت و امثالهم می‌کنیم، ترجیح این است که محتوای آن گزارشگری به مردم باشد. این که چه اعدادی می‌تواند در آن سامانه قرار بگیرد تابع نظرات مردم است اما در مورد حقوق‌ها و امثالهم خط قرمزی نداریم. من خودم الان نمی‌توانم حقوقم را اعلام کنم که خودش نشان‌های از بروکراسی سنگین در دستگاه‌های دولتی ایران است؛ متأسفانه

ندارند. شما چنین اعتقادی ندارید و فکر می‌کنید در همین شرایط هم می‌شود کارهای اصلاح‌طلبانه انجام داد؟

– صد در صد. بنا بود خیابانی در مشهد به نام اخوان ثالث نام‌گذاری شود. این موضوع این قدر درگیر حاشیه‌ها و موارد بحث‌برانگیز شد که عملاً اصل مسأله به حاشیه برده شد. عده‌ای می‌گفتند این خیلی بد است که در مشهد خیابانی به نام اخوان ثالث نیست و عده‌ای هم می‌گفتند که اصلاً نباید چنین خیابانی باشد. اتفاقی که رخ داد این که الان خیابانی به نام اخوان ثالث در شهر مشهد هست و این شاعر ارج و قربش نزدیک مردم رعایت شده‌است. من فکر می‌کنم به همین سادگی است و این اتفاق رخ داده‌است.

● فساد در سیستم شهرداری زیاد است و آمار و ارقام هم می‌گوید که شهرداری از فساد پذیرترین نهادهای ایران است. شما چه برنامه‌ای برای کنترل و مقابله با فساد در شهرداری دارید؟ در این ۲۰۰ روز سپری‌شده از شهرداری شما چند پرونده ایجاد شده و با چند نفر بر خورد شده‌است؟

– یک بخش، ساختاری است و ما باید رابطه بین کارکنان و کارگزاران خودمان با مشتریان شهرداری را غیرمستقیم کنیم. این کاری است که در دنیا مورد استفاده قرار گرفته و زمینه‌های فساد را کاهش داده‌است. بخش دیگر شفاف‌سازی قوانین و مقررات، اطلاع‌رسانی به مردم و کمک گرفتن از آنهاست که هر دوی اینها توسط ابزارهای الکترونیکی انجام می‌گیرد. الان منطقه ۱۲ به‌عنوان پایلوت شهر الکترونیک قرار است تمام کارها به صورت الکترونیکی انجام شود که قطعا این موارد تأثیرگذار است. در کنار این موارد باید این باور عمومی ایجاد شود که خانواده شهرداری باید خانواده سالم‌تری باشد و برخورد‌های لازم هم باید صورت بگیرد. علاوه بر این تعلق سازمانی ایجاد کردن مسأله مهمی است و من فکر می‌کنم با وجود این که شرایط اجتماعی به‌گونه‌ای نیست که مردم کاری را بپسندند و تر جیح می‌دهند که کارها را بپسندند و ابزار نارضایی کنند، الان درباره خانواده شهرداری با اقداماتی که انجام شده تا اندازه‌ای این تعلق سازمانی ایجاد شده است که خودش ناخودآگاه از فساد جلوگیری می‌کند. این سه مسأله که ابعاد اجتماعی، فنی و نظارتی دارد، می‌تواند فساد را کنترل کند. در این دوران از سال ۹۸ حدود ۷۰۰ نفر، از کوچکترین شکل که تذکر بوده تا بالاترین حالت یعنی دستگیری، بر خورد شده‌است.

“

اگر چه حکم من را وزارت کشور صادر کرده اما هنوز چارچوب حقوقی من را اعلام نکرده و من بعد از ۷ ماه همچنان علی‌الحساب حقوق می‌گیرم و واقعیت این است که خودم هم هنوز عدد دقیق حقوقم را نمی‌دانم.

● ولی امکان دارد در ماه‌های آینده این موارد هم به‌سامانه شفافیت اضافه‌شود؟

بله و به‌نظرم خیلی هم منطقی است.

● شما جوان‌ترین شهردار در بین شهرداران کلانشهرهای ایرانید. اگر بخواهیم از این مقایسه‌ها هم دست‌بکشیم، به‌نظر می‌آید کار بسیار دشواری است که فردی با سن شما شهردار شهر بسیار حساس و بسیار سیاسی مشهد باشد. حالا که این اتفاق رخ داده به نظر می‌آید انتظار از شما زیاد باشد و مردم منتظر مدیریتی متفاوت و با حضور زنان و جوانان باشند، اما اعداد و ارقام می‌گوید که شما چندان به حضور مدیران زن و جوانان توجه نکردید.

من همچنان تأکیدم این است که مسأله ما کارآمدی است و در این میان من به واسطه تعهد به مردم، وظیفه دارم کارآمدترین افراد را به کار بگیرم اما در این میان به یک مسأله دیگر یعنی تبعیض مثبت هم اعتقاد دارم. یعنی معتقدم اگر یک مدیر جوان از یک مدیر با سن بالا که در پایان دوران کاری خود به‌سری می‌برد، حتی ۱۰ درصد، ۲۰ درصد هم ضعیف‌تر باشد، مسأروی این مدیر جوان سرمایه‌گذاری کنیم و او را به کار بگیریم. واقعیت این است که در حلقه‌های مدیران میانی خیلی سخت جوانان راه پیدا کردند و این مراحل بالاتر برای آنها سنگین می‌کند. من عمده تلاشم این است که در موقعیت‌های میانی و در بین مدیران میانی، تعداد جوانان و زنان را افزایش دهم. حالا هیچ وقت ننشستم حساب و کتاب کنم ولی حضور زنان و جوانان افزایش پیدا کرده است. البته در بین معاونان، فقط دو معاون بالای ۵۰سال داریم و عموم حوالی ۴۰سال دارند، فکر می‌کنم در هیچ کلانشهری در ایران چنین شرایطی نیست.

● مدیریت شهری مشهد به‌عنوان یکی از حساس‌ترین و سیاسی‌ترین شهرهای ایران، کار دشواری است و قطعاً برای یک مدیر جوان اصلاح‌طلب سخت‌تر هم هست. به‌طور کلی، استراتژی شما برای مدیریت در چنین شرایطی چیست؟

فکر می‌کنم بخش زیادی از مخالفت‌ها از نبود گفت‌وگو نشأت می‌گیرد. واقعیت این است که من خودم این را در چهار بخش خاصی که از گروه‌های سیاسی منتقد اصلاح‌طلبان بودند و خیلی هم تندرو بودند، بعد از این که با آنها گفت‌وگو کردیم و آنها را در بغل گرفتیم و راجع به موضوعات مختلف گفت‌وگو کردیم، دیدم. فکر می‌کنم آنها هم متوجه شدند که با وجود اختلافات چقدر موضوعات مشترک داریم و ما هم دیدیم که با وجود اختلافات چقدر موضوعات مشترک داریم. فکر می‌کنم راجع به این موضوع هرچقدر صحبت کنیم شاید باورپذیر نباشد (دست‌کم این تجربه‌ای که من داشتم). من فکر می‌کنم موضوعاً ما جوانان باید کارمان را باز کنیم و سسراع گفت‌وگو برویم؛ قطعاً اختلافات هست و این اختلافات ریشه‌های مختلفی دارد، ولی من فکر می‌کنم دست کم ۸۰ درصد موضوعات حتی در موضوعات اجتماعی می‌تواند مورد توافق باشد. همان موضوعاتی که محل دعوای فراوانی بوده است که البته الان با گفت‌وگو می‌بینیم، نه خیلی هم اختلاف وجود ندارد.

● این پرسش‌ها را از این جهت می‌پرسم که ایده و شعار شما برای شهرداری مشهد «لغو تحریم شادی» بود، ولی نظرات سمت دیگر قدرت سیاسی در مشهد درباره شادی مشخص است. واقعا این اختلافات با گفت‌وگو و بغل کردن حل می‌شود؟ به نظر می‌آید اختلاف نظر هاشدید تراز این باشد.

نه نه. من این را نمی‌پذیرم چون تجربه‌ام خلاف این را می‌گوید، ما ممکن است در میانی نظری تفاوت‌های جدی داشته باشیم و اشخاصی هم مانند جناب آقای علم‌الهدی کاملاً میانی نظری خود را صریح و شفاف بیان می‌کنند، اما قابل به این هستند که اگر پشت کاری نیت خیرخواهانه‌ای برای مردم ببینند، معمولاً اعتماد می‌کنند. من سعی کردم از این اعتماد استفاده و حتی الامکان بتوانم روی موضوعاتی تأکید کنم که در مایه مشترکات ما است؛ ما الان برنامه‌های متعددی در شهر مشهد و با جمعیت بالای هزار نفر بر گزار می‌کنیم و در این برنامه‌ها موسیقی هم وجود دارد، رابطه ما هم با امام جمعه مشهد کاملاً باز است و گفت‌وگو می‌کنیم و من انصافاً از نظرات ایشان استفاده می‌کنم. من فکر می‌کنم این کار شدنی است، مگر این که راهبردارایه خدمات به مردم نباشد و فقط بخواهیم درگیری ایجاد کنیم که مسأله دیگری است. اگر بخواهیم کار اجرایی انجام دهیم، حتی در مواردی که گفتید، می‌توانیم به ۲۰ درصد تقاهم هم برسیم. ولی اگر به آن ۸۰ درصد مابقی رسید، جامعه به خیلی از خواسته‌های خود می‌رسد.